

سلاح های هسته ای اسرائیل - ۱

خطر اتمی اسرائیل

همانقدر جدی است

که جهانگشائی اتمی شیعه

جان اشتاین باخ - یونگه ولت

ترجمه و تدوین وحید منصوری

جمهوری اسلامی، پیش از آنکه بدلیل فعالیت های اتمی و هسته ای زیر ضربه افکار عمومی جهان و بیم و هراس داخلی قرار داشته باشد، بدلیل جنگ طلبی مبتنی بر جهان گشائی شیعه و ماجراجویی های که در گذشته کرده و بیم از گسترش آن در آینده می رود، زیر ضربه است. این که در ایران فعالیت های هسته ای به تولید بمب اتم انجامیده و یا بیانجامد، آنقدر اهمیت ندارد که سوخت سیاسی- مذهبی موشک حامل کلاهک اتمی می تواند داشته باشد. فاجعه ۸ سال جنگ با شعار "فتح کربلا" که به قیمت یکهزار میلیارد دلار خسارت (مطابق اعتراف هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران) و یک میلیون کشته و مجروح و معلول تمام شد، می تواند با رویای سبز فتح نجف و کربلا و کاظمین و سامره و برپائی واتیکان شیعه در خاورمیانه این بار همراه با تهدید شلیک اتمی همراه شود و این همان فاجعه ایست که افکار عمومی در داخل کشور و منطقه نگران آن هستند. همین که پایگاه های اتمی را در کنار و حتی قلب شهرهای بزرگ ایران برپا کرده اند تا هزینه بمباران آنها توسط امریکا و اسرائیل را سنگین کنند، خود نشان دهنده میزان ارزش و اعتباری است که برای مردم ایران و حساب کردن روی آنها بعنوان گوشت دم توپ است. شعارهای فاشیستی و حتی اعمال فاشیستی در طول حیات جمهوری اسلامی بخوبی نشان می دهد که برای همان ها که برای شلیک موشک اتمی در ایران لحظه شماری می کنند تا چه میزان پایبند شعار "هدف وسیله را توجیه می کند" است. همان هدفی که در بالا به آن اشاره شد: جهان گشائی شیعه!

انقلاب ۵۷ ایران نه با شعار جهان گشائی شیعه آغاز شد و نه با موشک اتمی پیروز شد. حتی دفع تجاوز ارتش صدام حسین از خاک ایران و فتح دوباره خرمشهر نیز پیش از آنکه با سلاح ممکن شده باشد، با غرور ملی و دفاع از خاک وطن پیروز شد، گرچه رنگ مذهبی-بویژه در مرحله دوم و فرسایشی جنگ- به آن دادند.

آنها که در حاکمیت امروز ایران سینه برای داشتن اتم سپر می کنند و امثال دکتر عباسی استاد استراتژیک دانشگاه سپاه پاسداران "امام حسین" و یا حسین شریعتمداری در کیهان برای اعلام آزمایش موشک اتمی ایران لحظه شماری می کنند، سخنی درباره آرمان های واقعی انقلاب ۵۷ ندارند. عباسی گلوی خود را برای صدها هزار کارگر بیکار شده و بی حقوق مانده کشور که فریادشان به هیچ کجا نمی رسد پاره نمی کند و درباره لیبرالیسم و امریکا و اسرائیل نیز وقتی سخن می گوید، بحثی درباره چهره اقتصادی و امپریالیستی آنها ندارد، بلکه از جبهه کفر و اسلام در برابر هم و یا جبهه خداخواهان و بی دینان سخن می گوید. جبهه ای که عملاً گمراه ساختن افکار عمومی پیرامون ماهیت امریکا و اسرائیل و سرمایه داری جهانی است. این شعارها همگی شعارهای اخوان المسلمین در خاورمیانه و حتی در ایران بوده و هست و هدف از برپائی این دو کانون نیز از زیر ضربه بیرون کشیدن ماهیت امپریالیسم جهانی در منطقه بوده و همچنان هست. فعالیت اتمی ایران بر این اندیشه مالیخولیائی استوار شده است و به همین دلیل خطر خیز است. هم برای منطقه و هم-بویژه- برای ایران. دولت نیمه فاشیستی احمدی نژاد حاصل همین اندیشه است. اندیشه ای که در پشت آن سلطه اقتصادی بنیادهای تجاری و مالی جمهوری اسلامی نیز پنهان است.

بنیادهائی که اکنون فرماندهانی از سپاه پاسداران شماری از آنها را یا فتح کرده و یا بنیان گذاشته اند.

اما، این شناخت و بیم از انحراف فعالیت های هسته ای در ایران و آلوده شدن آن به اندیشه های جنگی و شیعه گشائی در منطقه، هرگز به معنای فراموش کردن همین ماهیت توسط اسرائیل نیست. اسرائیل نیز نسخه ای دیگر از همین فاجعه است و البته کامل تر. به همین دلیل همه نیروهای ملی و صلح دوست منطقه و ایران در برابر این دو خیز نیمه فاشیستی، یعنی جهانگشائی یهودی و جهانگشائی شیعه ایستاده اند و باید آگاه تر و منسجم تر بایستند. با این یقین است که از این شماره راه توده، گزارشی را در شناخت ماهیت نظامی- اتمی اسرائیل شروع کرده ایم تا همانگونه که از خطر اتمی- فاشیستی حاکمیت می گوئیم، از خطر فاشیستی - اتمی اسرائیل نیز سخن گفته باشیم. این گزارش در چند شماره راه توده انتشار خواهد یافت:

آریل شارون: "اگر اعراب نفت دارند، ما کبریت داریم."

اسرائیل با در اختیار داشتن ۲۰۰ تا ۵۰۰ سلاح هسته ای و با یک سیستم پیشرفته پرتاب موشکی توانسته است بریتانیای کبیر را پشت سرگذاشته و مقام پنجمین قدرت اتمی جهان را به خویش اختصاص دهد. این کشور از لحاظ نوع و درجه پیشرفت و تعداد تسلیحات اتمی رقیب فرانسه و چین شناخته می شود. اگرچه در مقایسه با ایالات متحده و روسیه، که رویهمرفته بیش از ده هزار سلاح اتمی در اختیار دارند، اسرائیل بسیار کوچک می نماید، اما صاحب قدرت اتمی بزرگی می باشد و باید همینگونه به افکار عمومی جهان نیز شناسانده شود.

برنامه اتمی اسرائیل اواخر دهه ۴۰ میلادی تحت نظر "ارنست داوید برگمن" که به "پدر بمب های اسرائیلی" معروف می باشد، آغاز گردید. و در سال ۱۹۵۲ میلادی کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل بنیانگذاری شد.

دولت فرانسه سهم بزرگی در انتقال تکنولوژی و کمک به برنامه اتمی اسرائیل داشته است. مهمترین قدم در این زمینه کمک به احداث رآکتور اتمی "دیمونا" در نزدیکی "برشیا" در صحرای "نگف" بود. اسرائیلی ها از ابتدا نقش فعالی در برنامه اتمی فرانسه بر عهده داشتند. رآکتور اتمی "دیمونا" در سال ۱۹۶۴ میلادی شروع به کار کرد و در زمانی کوتاه پلوتونیم غنی شده مورد بهره برداری قرار گرفت.

اسرائیل همیشه مدعی بوده که "دیمونا" کارخانه منگنز و یا کارخانه نساجی است، اما محافظت های شدید امنیتی از این منطقه حکایت از برنامه دیگری داشت.

در سال ۱۹۶۷ میلادی یک هواپیمای میراث اسرائیلی که به "دیمونا" بسیار نزدیک شده بود مورد هدف قرار گرفته و واژگون گردید. در سال ۱۹۷۳ میلادی یک هواپیمای مسافربری لیبی که از مسیر خود خارج گردیده بود هدف قرار گرفته و با ۱۰۴ مسافر و خدمه سقوط کرد و همگی کشته شدند.

حقایق غیرقابل انکار نشان می دهند که اسرائیل اواسط دهه ۶۰ میلادی به آزمایش های اتمی متعددی در صحرای "نگف" در نزدیکی مرز مصر دست زده و به طور فعال در آزمایش های اتمی فرانسه در الجزایر شرکت داشته است. سال ۱۹۷۳ در جنگ "ژوم کیپور" اسرائیل صاحب بمب های اتمی متعدد و آماده پرتاب بوده و در آماده باش اتمی بسر می برد. اسرائیل به رغم در اختیار داشتن دانشمندان زبده و تکنولوژی پیشرفته، همیشه با مشکل تامین و تهیه اورانیوم مواجه بوده است.

معادن داخلی برای تهیه اورانیوم در صحرای "نگف" جوابگوی برنامه هسته ای آن کشور نیست. از این رو شرکت های اسرائیلی در فرانسه و بریتانیای کبیر برای خرید و ارسال

اورانیوم فعال شدند و در سال ۱۹۶۸ میلادی با همکاری آلمان غربی ۲۰۰ تن "اوران اکسید" تهیه و به اسرائیل ارسال شد. بعدها به کلیه اخبار و اطلاعات مربوط برای تهیه و حمل قاچاق اورانیوم به "دیمونا" از طرف کشورهای ذینفع سرپوش گذاشته شد. اسرائیل با توسعه روابط همه جانبه خود با آفریقای جنوبی موفق به حل مشکل خود در زمینه تامین اورانیوم شد. تحت نظارت و کمک تکنولوژیکی اسرائیل "بمب های آپارتاید" تولید شده و در ازای آن اورانیوم مورد احتیاج به آن کشور حمل می گردید. در سال ۱۹۷۷ اتحاد جماهیر شوروی با استناد به عکس های ماهواره ای خود، گزارش و اطلاعاتی در مورد آمادگی آفریقای جنوبی برای انجام آزمایش های اتمی در صحرای "کالاهاری" به ایالات متحده داد. به دلیل فشارهای جهانی رژیم آپارتاید دست از انجام آزمایش های خود کشید.

یک ماهواره آمریکایی در سپتامبر سال ۱۹۷۹ در نزدیکی سواحل آفریقای جنوبی واقع در اقیانوس هند انفجار یک بمب اتمی کوچک را ثبت کرد.

این مدرک، به دلیل همکاری آشکار اسرائیل با کشور آپارتاید، از طرف یک کمیسیون ویژه متشکل از دانشمندان دستکاری شده و جزئیات آن آشکار نشد. بعدها از طرف منابع اسرائیلی گزارش شد که در حقیقت با رعایت کلیه تدابیر حفاظتی و امنیتی سه بمب "مینیاتوری - اتمی" آزمایش شده بود.

همکاری بین اسرائیل و آفریقای جنوبی در زمینه تولید و توسعه توپخانه و راکت هایی با بُرد متوسط تا سرنگونی آپارتاید ادامه داشت. در تمام این سال ها حکومت آفریقای جنوبی علاوه بر ارسال اورانیوم و آماده ساختن امکانات لازم برای آزمایش های اتمی برای اسرائیل، سرمایه گذاری های هنگفتی هم در این کشور کرد. در قبال این امکانات کشور اسرائیل هرگونه کمک لازم را برای دستیابی کشور آپارتاید، که در محاصره اقتصادی بین المللی بود، به بازارهای جهانی کرد.

راه توده ۱۲۲ ۱۹,۰۲,۲۰۰۷